

# دانشگاه شهید مطهری

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

سال دوم، شماره ۱۳، مهر ۱۳۹۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اشباح الحزن

# دانش سلامت

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰  
سال دوم، شماره ۱۳، مهر ۱۳۹۸

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.  
نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.  
نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم  
مدیر مسؤول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه  
سر دبیر: دکتر اکرم حیدری  
امور اجرایی: محمد سالم  
ویرایش، طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir

۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶

## سخن آغازین

۳..... رحمت للعالمین  
احمد مشکوری

## سلامت در قرآن

۴..... دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن  
نوشتار اول: نطفه تا تشکیل سلول زیگوت (تخم) .....  
محسن اسلامی فارسانی، شیما آب‌آزاده، فاطمه حیدری

## سلامت در احادیث

۹..... کتاب «الکافی» .....  
هادی حجت

## فقه سلامت

۱۱..... بررسی عنوان «ظرفیت تصمیم‌گیری بیمار» در اخلاق پزشکی ذیل عنوان  
«رشد» در فقه شیعه .....  
احمد مشکوری

## اخلاق سلامت

۱۲..... رازداری، نه خون‌ریزی و نه خون‌مردگی .....  
محسن رضایی آدریانی  
۱۳..... طراحی مراقبت‌های پیشرفته .....  
احمد مشکوری

## فلسفه سلامت

۱۴..... علیت در پزشکی ۱ .....  
صادق یوسفی

## معرفی کتاب

۱۵..... گفتمان میان‌رشته‌ای .....  
احمد مشکوری

## زلال سلامت

۱۶..... ملک وجود غرق در اندوه و در عزاست .....  
کوثر اشک من از ساغر و پیمانۀ توست .....  
۱۷.....

## سخن آغازین

# رحمت للعالمین

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

amashkoori@gmail.com

رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های  
شما بر او سخت است، و اصرار به هدایت شما دارد  
و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.

(سوره توبه/۱۲۸)

می‌گذارد، همه اینها به خاطر عشق به آزادی، به شرف، به عزت و به هدایت شما و پاکسازی جامعه شما است. سپس به سومین و چهارمین صفت اشاره کرده، می‌فرماید: او نسبت به مؤمنان، رئوف و رحیم است (بالمؤمنین رؤوف رحیم). بنابراین هرگونه دستور مشکل و طاقت‌فرسایی را می‌دهد (حتی گذشتن از بیابان‌های طولانی و سوزان در فصل تابستان، با گرسنگی و تشنگی، برای مقابله با یک دشمن نیرومند در جنگ تبوک)، آن هم یک‌نوع محبت و لطف از ناحیه او است. در روایتی آمده است که جبرئیل عرض می‌کند: یا رسول الله به شما بشارت بدهم که انبیاء به زانو در می‌آیند و می‌گویند وانفساه! وانفساه! خدایا به داد ما برس. اما شما رسول الله آنجا هم به فکر امتت هستی. می‌گویی وا امتاه! وا امتاه! خدایا امت مرا دریاب.

حضرت یعقوب چه قدر یوسفش را دوست داشت؟ از فراق حضرت یوسف آن قدر گریست که چشمانش نابینا شد، قدش خمیده و موی سرش سفید شد. عشق عجیبی به حضرت یوسف داشت اما روایت می‌گوید: وقتی روز قیامت، جهنم نمایان می‌شود؛ حضرت یعقوب می‌گوید: خدایا من را نجات بده. وقتی جهنم ظاهر می‌شود، حضرت ابراهیم می‌گوید خدایا مرا دریاب. حضرت یعقوب، پاره تن و جگر گوشه‌اش را فراموش می‌کند؛ اما پیامبر، امتش را فراموش نمی‌کند. پیامبر، رحمت العالمین است و بعد از خدا کسی مثل پیامبر، امت را دوست ندارد.

برگرفته از تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۲۸ سوره توبه

آیه فوق به گفته برخی مفسران، از آخرین آیاتی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، و با آن سوره برائت پایان می‌پذیرد؛ لذا روی سخنش با مردم است و می‌فرماید: (پیامبری از خودتان به سوی شما آمد!) (لقد جائکم رسول من انفسکم) مخصوصاً اینکه به جای (منکم) در این آیه (من انفسکم) آمده، اشاره به شدت ارتباط پیامبر ﷺ با مردم است؛ گویی پاره‌ای از جان مردم و از روح جامعه در شکل پیامبر ﷺ ظاهر شده است. به همین دلیل، تمام دردهای آنها را می‌داند، از مشکلات آنان آگاه است، و در ناراحتی‌ها و غم و اندوه‌ها با آنان شریک می‌باشد. بدین ترتیب، تصور نمی‌شود سخنی جز به نفع آنها بگوید و گاهی جز به نفع آنان بردارد، سپس می‌فرماید: (هر گونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد، برای او سخت ناراحت‌کننده است (عزیز علیه ما عنتم). یعنی او نه تنها از ناراحتی شما خشنود نمی‌شود، بلکه بی‌تفاوت هم نخواهد بود. او به شدت از رنج‌های شما رنج می‌برد، و اگر اصرار بر هدایت شما و جنگ‌های طاقت‌فرسای پر زحمت دارد، آن هم برای نجات شما، برای رهائی‌تان از چنگال ظلم و ستم و گناه و بدبختی است. دیگر اینکه (او سخت به هدایت شما علاقه‌مند است)، (حریص علیکم) (حرص) در لغت به معنی شدت علاقه به چیزی است؛ و جالب اینکه در آیه مورد بحث به طور مطلق می‌فرماید: (حریص بر شما است) نه سخنی از هدایت به میان می‌آورد و نه از چیز دیگر، اشاره به اینکه به هرگونه خیر و سعادت شما، و به هرگونه پیشرفت و ترقی و خوشبختی‌تان عشق می‌ورزد. بنابراین اگر شما را به میدان‌های پرممارت جهاد، اعزام می‌دارد؛ و اگر منافقان را تحت فشار شدید



## دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن نوشته‌ار اول: نطفه تا تشکیل سلول زیگوت (تخم)

محسن اسلامی فارسانی<sup>۱</sup>، شیما آب آب زاده<sup>۲</sup>  
فاطمه حیدری<sup>۳</sup>

۱، ۲، ۳؛ استادیار گروه علوم تشریح، دانشکده پزشکی،  
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران  
Ahoramh.82@gmail.com

### مقدمه:

خداوند متعال، پس از خلقت آسمان‌ها و زمین و آفرینش موجودات گوناگون، حکمتش این‌گونه ایجاب نمود که انسانی بیافریند که سرآمد تمام موجودات و اشرف مخلوقات و خلیفه و جانشین خود، بر روی زمین باشد. خلقت انسان با چنان ظرافت و دقتی انجام شده است که در علوم پزشکی و بیولوژی شاخه‌ای از علم به نام جنین‌شناسی (رویانشناسی) به مطالعه این امر می‌پردازد.

علم رویانشناسی پزشکی که فرآیند تکامل انسان از ترکیب دو سلول جنسی (اسپرم و تخمک) و تشکیل سلول تخم (زیگوت)، تا تبدیل شدن به یک نوزاد کامل را بررسی می‌کند، از چنان پیچیدگی‌های برخوردار است که مطالعه آن، خود یک دوره کامل از توحید و خدانشناسی است. کمتر کسی است که ریزه‌کاری‌های این علم را مطالعه نموده و زبان به حمد و ستایش آفریدگار قادر متعال نگشاید. لذا یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در قرآن، مراحل آفرینش و تکامل جنین است که به عنوان نقطه آغاز حیات انسانی مطرح گردیده است. در یک آمار کلی، قرآن تقریباً در ۴۱ سوره با ۷۶ آیه با بیانی شیوا به این موضوع پرداخته است، چرا که مرحله جنینی یکی از ظریف‌ترین مراحل زندگی انسان است که دارای اسرار و شگفتی‌های فراوانی می‌باشد. بهترین و شاخص‌ترین آیات قرآن که مراحل رشد و تکامل جنین را به صورت مرحله به مرحله بیان نموده است؛ آیات ۱۲-۱۴ سوره مبارکه مؤمنون و همچنین آیه ۵ سوره حج می‌باشد که در سوره مؤمنون می‌فرماید:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

و همانا ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم؛ آن‌گاه لخته خون را پاره‌گوشتی ساختیم

و پاره‌گوشت را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم، و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس شایسته تکریم و تعظیم است، خداوندی که بهترین آفرینندگان است (۱).

و همچنین در سوره حج نیز با همین مضمون می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّنْ أَلْفَلْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَنَبِّئَنَّ لَكُمْ وَنُفِّرَنَّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لَكُمْ لِكَيْلًا يَعْلَمُ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

ای مردم، اگر شما در (روز قیامت و قدرت خدا بر) بعث مردگان شک و ریبی دارید (برای رفع شک خود بدین دلیل توجه کنید (که) ما شما را نخست از خاک آفریدیم آن‌گاه از آب نطفه، آن‌گاه از خون بسته، آن‌گاه از پاره‌ای گوشت با آفرینشی تمام و ناتمام، تا (در این انتقال و تحولات، قدرت خود را) بر شما آشکار سازیم و (از نطفه‌ها) آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحمتها قرار می‌بخشیم تا به وقتی معین، آن‌گاه شما را به صورت طفلی (چون گوهر از صدف رحم) بیرون آریم تا (زیست کرده و) سپس به حد بلوغ و رشد خود برسید و برخی از شما (در این بین) بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آنجا که پس از دانش و هوش خرف شود و هیچ فهم نکنند، و (دلیل دیگر از ادله قدرت خدا بر معاد آن‌ها) زمین را بنگری وقتی خشک و بی‌گیاه باشد؛ آن‌گاه چون باران بر آن فرو باریم، سبز و خرم شود و (تخم‌ها در آن) نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند (۱).

جالب است که در هر دو سوره به رستاخیز و روز قیامت اشاره می‌شود و از قدرت پروردگار در خلقت انسان از عدم و هدایت مراحل دقیق رشد و نمو (خلقی بعد از خلق دیگر) جنین گواهی گرفته می‌شود، برای آنانی که شک دارند که خداوند متعال، قادر به هر کاری هست و قطعاً روز رستاخیز نیز همانند



تشکیل جنین، اراده خداوندی همه مردگان را زنده خواهد کرد و اعمال بندگان مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، هفت مفهوم کلی از نحوه خلقت انسان از جنین به شرح زیر آورده شده است: ۱- خلقت انسان از عصاره‌ای از گل ۲- پس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم ۳- پس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) ۴- علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) ۵- مضغه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم ۶- بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، ۷- پس آن را آفرینش تازه ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.

هرچند در این مورد، مطالب و مقالاتی توسط محققین مختلف ارائه شده که از چند جنبه به موضوع پرداخته شده است؛ ولی در این نوشتار، ما برآنیم که با توجه به تفسیرهای مفسران بزرگ قرآن درباره این آیات، به انطباق یافته‌های جدید علوم تشریح و جنین‌شناسی با این تفسیرها بپردازیم، امید که مورد رضایت حق تعالی و خوانندگان عزیز واقع شود.

#### تراب و یا عصاره‌ای از گل:

قرآن کریم برای خلقت انسان، چند تعبیر به کار برده است که بیشترین تعبیر، خاک (تراب) است؛ مثل این آیه: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ» (فاطر ۱۱)؛ خداوند شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه‌ای.

دومین تعبیر، گل است. در آیات مورد بحث، واژه «سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» آمده است؛ یعنی: «عصاره‌ای از گل» و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» (صافات ۱۱)؛ یعنی: «ما آنها را از گلی چسبناک آفریدیم».

و همچنین گل خشک یا سفالین؛ «و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ» (حجر ۲۶)؛ «و به راستی ما انسان را از گلی خشک برآمده از لای سیاه بودار آفریدیم». این تعبیر در آیات دیگری از همین سوره ذکر شده است. در آیه دیگری می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن ۱۴) یعنی: «آدمی را از گلی خشک چون سفال آفرید».

در آیه دیگر، به خلقت انسان از آب اشاره شده و می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا...» (فرقان ۵۴)؛ یعنی: «و او است که از آب بشری آفرید».

در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که منشأ خلقت انسان، ترکیب خاک و آب است که با واژه‌های مختلف در قرآن بیان شده است و هر کدام از این تعابیر در بردارنده نکات ظریفی است.

برخی از مفسرین قرآن، از جمله (أبو عبد الله القرطبی در قرن ۱۳، شیخ طبری قرن ۹، البغدادی قرن ۱۲) در مورد «سلاله من طین» بیان می‌کنند که این آیه، اشاره به خلقت حضرت آدم دارد. سایر مفسرین بر این عقیده هستند که این آیه، اشاره به عناصر اساسی و اصلی پیکره بدن انسان دارد که همه این

این عناصر متنوع شیمیایی در خاک موجود می‌باشند و جزء اجزای خاک هستند. به نظر می‌رسد که مطابق تفسیر علمی، این آیه بیشتر به مفهوم دوم اشاره دارد که عناصر بدن انسان، همگی در خاک یافت می‌شوند. به‌طور واضح، ثابت شده است که عناصر حیاتی بدن انسان (کربن، هیدروژن، کلسیم، فسفر، پتاسیم، سولفور، کلر، سدیم، منیزیم، سیلیکون) که همگی از اجزای ضروری بدن انسان هستند، در خاک یافت می‌شوند.

البته این، خود دو جنبه دارد: یکی اشاره به پیدایش حیات در زمین، که برخی دانشمندان معتقدند در اقیانوس‌های اولیه به همراه جو سرشار از آمونیاک، متان، آب و هیدروژن که پس از فعل و انفعال‌های پیچیده‌ای سرانجام مواد مختلف با ترکیباتی که در آنها به وجود آمده، در آب‌های کم‌عمق حل شده و

مرداب‌هایی تشکیل شده که به مرور زمان، بر غلظت آنها افزوده شده و حالت لجنزار یا سوپ بدبوی بدوی (-Primordi al soup) به خود گرفته و باعث پیدایش موجودات زنده شده است (۸). تعبیری که در قرآن، به‌عنوان «حماً مسنون»، یعنی

سیاه بدبو آمده، شاید با سوپ بدوی تطبیق مناسبی داشته باشد و گل چسبنده، شاید اشاره به رسوب و ته‌نشین شدن مواد در آب‌های کم‌عمق و یا قعر دریاها باشد که مشابه گل رس است و برخی به‌عنوان منشأ اولیه حیات از آن یاد می‌کنند.

اگرچه بحث انسان در نظریه حیات زیستی، به‌طور ویژه مطرح نشده است؛ اما با توجه به رابطه پدیده حیات در موجودات زنده و فعل و انفعالاتی که در کل نظام هستی صورت می‌گیرد تا موجود زنده خلق شود، می‌تواند با منشأ خلقت انسان نیز ارتباط داشته باشد. از جنبه دیگر، شاید اشاره به تشابه عناصر تشکیل‌دهنده بدن با خاک، از این جهت باشد که تمام مواد تغذیه‌ای که باعث بقای انسان می‌شود؛ اعم از گیاهی یا حیوانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در یک چرخه دائمی با خاک

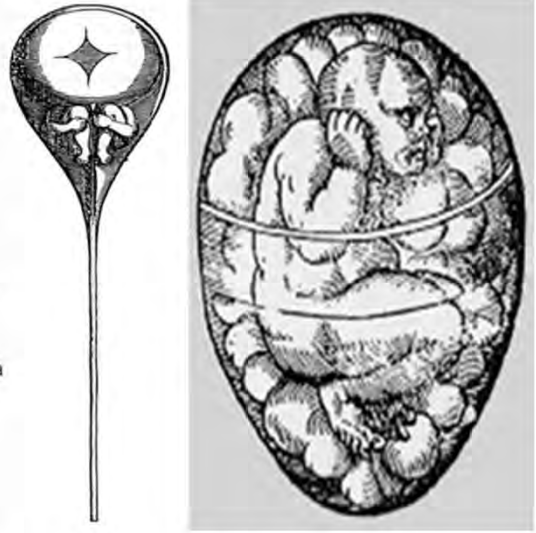
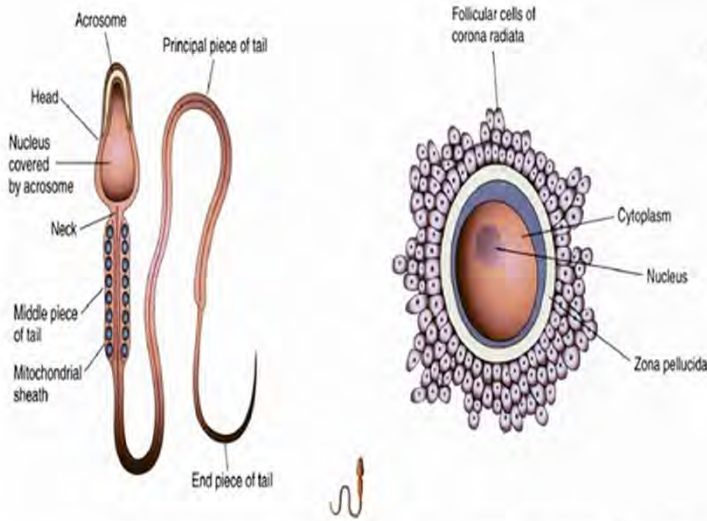
هستند؛ بنابراین می‌توان خاک و یا شکل ترکیب‌شده آن را با آب، منشأ حیات انسانی به حساب آورد. از طرفی دیگر از کلمه خاک و گل می‌توان برداشتی فلسفی داشت که به جنبه مادی خلقت انسان پرداخته است. همین امر برای انسان، درس بزرگی است که ماهیت واقعی انسان بسیار پست است؛ اما همین جسم خاکی به ظاهر کم‌ارزش در صورت قرار گرفتن در مسیر حق و تائیده شدن نور خداوند می‌تواند به قرب الهی و درجات والا دست یابد.

#### تشکیل نطفه و امشاج:

دومین مرحله خلقت، پیدایش انسان از نطفه است که در رحم زن قرار می‌گیرد. واژه نطفه در آیات متعددی از قرآن آمده است که همه آنها درباره انسان است. در آیه: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان ۲/)

لفظ نطفه با وصف امشاج آمده است. امشاج، جمع مشیج و مشج (بر وزن فلس) به‌معنای آمیختن می‌باشد. این کلمه





شکل ۱: نشان دادن مینیاتوری در گامت های نر و ماده (سمت راست). نمای اسپرم و تخمک (سمت چپ)

الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» «تو را از حیض زنان می پرسند؛ بگو: حیض نوعی رنج است. پس در ایام حیض از زنان دوری گزینید و به آن ها نزدیک نشوید تا پاک گردند و چون پاک شدند، از آنجا که خدا فرمان داده است با ایشان نزدیکی کنید؛ هر آینه خدا توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.» (بقره/۲۲۲).

هاروی در سال ۱۶۵۱ عقیده داشت که رحم، جنین را ترشح می کند و حال آن که این مطلب یک خطای فاحش علمی بوده و از نظر قرآن کریم نیز مردود می باشد؛ چرا که طبق فرموده قرآن کریم، رحم قرار مکین برای نطفه می باشد (۱). چنانچه در آیات ۱۲ تا ۱۳ سوره بقره آمده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» «هر آینه ما انسان را از گل خالص آفریدیم؛ سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم». این آیه اشاره بدین موضوع دارد که رحم در ترشح جنین نقشی نداشته، بلکه اشاره بدین موضوع دارد که انسان ابتدا به شکل نطفه ای می باشد که نطفه مذکور در رحم جای می گیرد. این موضوع از نظر علم امروزی کاملاً مورد تأیید است.

از نظر جنین شناسی، سلول تخمک پس از رهایی از تخمدان زن، توسط لوله رحمی دریافت شده و سلول جنسی مذکر (اسپرم) نیز پس از قرار گرفتن در دستگاه تناسلی مؤنث، از طریق رحم به لوله رحمی رسیده و هر دو سلول با هم ادغام شده و سلول تخم را ایجاد می کنند. روز دوم پس از بارداری، این سلول سفر خود را از طریق لوله رحمی به سمت رحم آغاز می کند که این امر، با فعالیت سلول ها و عضلات جدار لوله میسر می شود. در همین زمان، سلول تخم مکرراً تقسیم

تنها یک بار در قرآن، در آیه ۲ سوره انسان آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۲۵۹).

«ما انسان را از قطره مایع مخلوط (نطفه) آفریدیم.» در قرآن، نطفه به عنوان ترکیبی از مایع مخلوط (الامشج) توصیف شده است. این آیه از دید دستوری، نطفه را به عنوان موجودی به تصویر می کشد که از ترکیب مایعی درست شده است که از پدر و مادر منشأ می گیرند. کلمه «الامشج» به معنای مخلوط، یک صفت جمع است و در اینجا با اسم مفرد «نطفه» استفاده شده است. از لحاظ دستوری، این نکته، مفهوم آیه قرآن را در مورد نطفه، به عنوان یک موجودیت یا قطره ای نشان می دهد که با ترکیب مواد ایجاد می شود.

همانطور که در شکل ۱ آورده شده است، تا اوایل قرن ۱۸، دانشمندان بر این باور بودند که انسان به صورت کامل، اما کوچک (انسان مینیاتوری) در داخل گامت نر (اسپرم) و یا گامت ماده (تخمک) قرار دارد. در صورتی که قرآن، از همان ابتدا به وضوح بیان نموده است که مرحله نطفه فرایند باروری را بیان می کند که نیازمند ترکیب اجزا از پدر و مادر است. این اجزا، یک سلول را شکل می دهند که به نام سلول تخم (زیگوت) شناخته می شود (۱).

ارسطو از دانشمندان قرن چهارم قبل از میلاد، دیدگاه کاملاً غلطی در رابطه با سیر تکامل و تشکیل جنین انسانی داشته است. وی عقیده داشت که جنین از اتحاد منی با خون حیض مادر تشکیل می شود. این درحالی است که قرآن نه تنها این خون را مؤثر در تولید جنین ندانسته، بلکه در آیه ۲۲۲ سوره بقره آن را نوعی اذیت و رنج برای زنان شمرده است و علم امروزی نیز کاملاً مؤید این مطلب است (۸).

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي

می‌شود تا مجموعه‌ای از سلول‌ها به نام مورولا حاصل شود. پس از ۴ تا ۵ روز، این مجموعه سلولی به داخل رحم می‌رسد. و در این زمان درحالی که در وسط آن حفره‌ای ایجاد شده و بلاستوسیست نامیده می‌شود، غلاف پوشاننده دور خود را پاره کرده و در روز ۶ تا ۷ به لایه سلولی‌های داخلی رحم که آندومتر نامیده می‌شود، نفوذ کرده و هفته بعد به شکلی امن خود را در آندومتر (سطح داخلی رحم) جای داده و به رشد خود ادامه می‌دهد و از این لحظه به بعد، بارداری به خوبی تثبیت می‌شود (و این همان موضوعی است که قرآن از آن به عنوان قرار مکین یاد کرده است). بلاستوسیست، یک لایه سلولی خارجی و یک توده سلولی داخلی دارد. لایه سلولی خارجی، به داخل آندومتر رشد کرده و با سلول‌های آندومتر مادر تبدیل به جفت می‌شود که جنین در حال تکامل را تغذیه می‌کند و توده سلولی داخلی رشد کرده و بدن جنین را می‌سازد (۹).

در قرن هجدهم، دو دانشمند به نام‌های ولف و اسپالانزانی ثابت کردند که جنین، از نطفه زن و مرد به‌طور یکسان تشکیل می‌شود. این موضوع، همان حقیقت علمی است که مسلمانان از زمان نزول قرآن کریم آن را در کتاب خدا می‌خوانند (۱)؛ چنانچه در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی بیافریدیم و شما را به‌صورت جماعت و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. هرآینه، گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است، خدا دانا و کاردان است» و در آیه دوم سوره انسان می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». «ما آدمی را از نطفه‌ای آمیخته بیافریدیم، تا او را امتحان کنیم و شنوا و بینایش ساخته‌ایم».

چنانچه مشاهده می‌شود در هردو آیه فوق، از آمیختگی و سهیم بودن هر دو جنس (نر و ماده) در خلقت انسان سخن به میان آورده است و این موضوعی است که تا قرن هجدهم میلادی، بشر از آن بی‌اطلاع بوده است. هرچند شاید از آیه اول، مستقیم این موضوع برداشت نشود؛ ولی آیه دوم، آمیختگی نطفه را به‌خوبی بیان می‌کند (۱۰).

لازم به‌ذکر است که اتحاد دو سلول جنسی اسپرم و تخمک در ایجاد نه تنها انسان، بلکه در ایجاد بیشتر موجودات زنده امری

مسلم است؛ به‌طوری که بجز در تولید مثلی بنام بکرزایی، در نحوه تولید مثل جنسی تمام موجودات زنده، دو جنس نر و ماده دخالت می‌نمایند و این امری کاملاً مسلم و قطعی علمی است (۱۱).

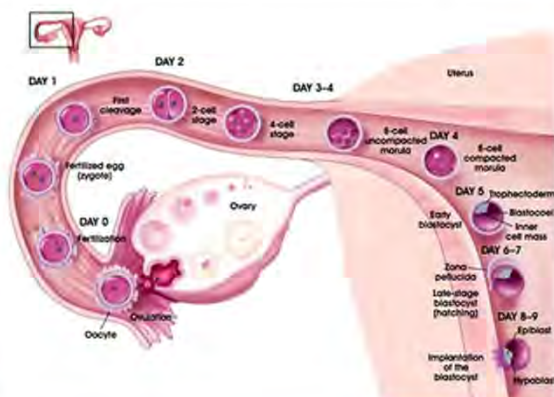
یونانی‌ها معتقد بودند که اگر اسپرم از بیضه راست خارج شود، جنس نوزاد مذکر می‌شود و اگر از بیضه چپ خارج شود، نوزاد مؤنث می‌شود. برخی دیگر گمان داشتند که اگر جنین در سمت راست رحم رشد کند، جنین مذکر و اگر در سمت چپ رشد کند، مؤنث می‌شود. ارسطو هم که معتقد بود فرزند مذکر مربوط به هیجان روحی مرد هنگام آمیزش است و اگر فاقد آن باشد، فرزند مؤنث می‌شود. بنابراین تا اواسط قرن بیستم میلادی، نقش تخمک و اسپرم در تعیین جنسیت ژنتیکی جنین در انسان شناخته نشده بود، اما پس از کشف کروموزوم‌های جنسی توسط دانشمندان این پدیده شناخته شد (۸).

از نظر رویان‌شناسی، هریک از دو سلول جنسی پدر و مادر نیاز دارند که در مایعی برای باروری قرار بگیرند. اسپرم‌ها در مایعی به نام منی قرار دارند و اوسیت (تخمک) توسط ترشحات لوله رحمی پوشانیده می‌شود که برای زیست‌پذیری و باروری لازم است. بنابراین تحلیل کلمه نطفه، به عنوان موجودیت مخلوطی که نتیجه یک سلول از پدر و مادر (که در یک نرله قرار دارد که برای باروری لازم است)، با توصیف شکل‌گیری زیگوت هم‌خوانی دارد.

#### تعیین جنسیت جنین:

یکی از بحث‌های مهم و ناشناخته تا قرن‌های اخیر، زمان تعیین جنسیت جنین بود. همان‌گونه که در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره نجم آمده است: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ». «او است که جفت‌های نر و ماده را از نطفه آفریده است، آنگاه که در رحم ریخته می‌شود». در قرآن کریم به وضوح اشاره شده که خود نطفه، در زمان قرار گرفتن در رحم، عامل تعیین جنسیت جنین است. لازم به‌ذکر است که چنانچه اسپرم مرد دارای کروموزوم Y باشد، جنسیت سلول تخم مذکر و در غیر این صورت مؤنث خواهد بود (۸). این یافته فقط زمانی حاصل شد که در قرن هجدهم و نوزدهم، سلول اسپرم و تخمک شناخته و ترکیب شدن آنها توضیح و تأیید شد. در صورتی که ۱۴۰۰ سال قبل در کتاب آسمانی ما مسلمانان پروردگار متعال به مشخص شدن جنسیت جنین در همان مراحل اولیه قرارگیری در رحم و امتزاج آن اشاره می‌کند. مطابق علم جنین‌شناسی، اگر اسپرم حاوی کروموزوم‌های Y

از آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که متشأ خلقت انسان، ترکیب خاک و آب است که با واژه‌های مختلفی در قرآن بیان شده است گه هر کدام از این تعابیر در بردارنده نکات ظریفی است.



موقع قرارگیری در رحم بر اسپرم‌های حاوی کروموزوم X پیشی گرفته و زودتر به تخمک برسند و لقاح یابند، جنین مذکر می‌شود و اگر عکس آن اتفاق بیافتد، جنین مؤنث می‌شود و جالب است بدانیم که بسته به شرایط محیطی واژن و رحم و لوله رحمی و مایع منی و اسیدی یا بازی بودن مایعات این نواحی، نوع اسپرم‌هایی که زودتر به تخمک می‌رسند، متفاوت است. و دلایل این امر، در تحقیقات متعددی نشان داده شده. کروموزوم Y چون بازوی کوتاه‌تری نسبت به کروموزوم X دارند، کوچک‌ترند و به میزان بسیار اندکی اسپرم حاوی Y سبک‌تر است و اندکی سرعت بیشتری دارند و برای همین تعداد پسرزایی نسبت به دخترزایی در انسان ۱۰۴ در مقابل ۱۰۰ است. اما برعکس، این نوع اسپرم مقاومت کمتری دارد و در محیط اسیدی دچار آسیب می‌شود؛ ولی در محیط قلیایی فعال تر است. لذا نوع تغذیه مادر که باعث تغییر اسیدیته مایعات می‌شود و زمان سیکل قاعدگی و زمان آمیزش و حتی فصول سال در تعیین جنسیت مؤثر هستند و امروزه با تغییر محیط واژن به قلیایی و یا اسیدی توسط تغذیه سه ماهه در برخی کلینیک‌ها و یا به شکل خارجی با استفاده از موادی مانند جوش شیرین رقیق و سرکه رقیق به ترتیب درصد پسرزایی یا دخترزایی را تغییر می‌دهند (۱۸-۱۲). لذا به نظر می‌رسد که شاید در این آیه، آن‌جا که عبارت «مِنْ نطفَةٍ إِذَا تَمَّتْ» را بیان می‌دارد، علاوه بر اشاره به تعیین جنسیت توسط نطفه در رحم به زمان قرارگیری نیز اشاره‌ای دارد (آن‌گاه که در رحم قرار می‌گیرد).

در پایان، لازم به ذکر است که مباحث جنین‌شناسی، نقش اساسی در شناخت زیستی خلقت انسان دارد. قرآن در قالب طرح مباحثی که انسان را در مسیر هدایت قرار می‌دهد، به بعضی از مسائل علمی اشاره می‌کند. اما از آن‌جا که از جانب خداوند بوده و کاملاً و مصون از هرگونه خطا و اشتباه است، اسرار زیادی را در بردارد که به تناسب پیشرفت علوم، آشکارتر گشته و شناخت ما از قرآن را فزونی می‌بخشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، دانشمندان بزرگ جنین‌شناسی و علوم زیستی، در طول تاریخ، نظرات متعددی در رابطه با چگونگی مؤنث یا مذکر بودن جنین، تولید جنین در انسان و کیفیت آن و سایر مسائل مشابه ارائه نموده‌اند، که در مقایسه با علم امروزی بشری در مورد علم جنین‌شناسی بسیار سطحی است. جالب آن‌که پاسخ این سؤالات تا قرن بیستم میلادی برای انسان‌ها مبهم بوده؛ این درحالی است که پاسخ دقیق همه این سؤالات در قرآن نهفته است. با عنایت به آیه قرآنی که هیچ خشک و تری در عالم وجود ندارد که در کتاب مبین ثبت نشده باشد، می‌توان گفت: قرآن کریم با اینکه نوعی کتاب تربیتی و انسان‌ساز به شمار می‌رود، اما دریایی از حقایق علمی در بطن خود نهفته دارد که با پیشرفت علوم، این حقایق روزبه‌روز آشکارتر و شفاف‌تر می‌گردد. امید است که بیش از پیش از این گنجینه الهی بهره برده و عامل به دستورات آن باشیم.

#### منابع:

۱. قرآن مجید، ترجمه ی گرماردی.
۲. ابراهیمی، مهدی، (۱۳۸۴)، نسیم وحی در مثنوی عشق، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
۳. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۴)، اخلاق پزشکی و تشریح از نظر علمای اسلامی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی.
۴. دورلند، ویلیام الکساندر، (۱۳۷۹)، فرهنگ پزشکی دورلند، ترجمه حمید نامآور، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.
۵. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷)، (الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی).
۶. سایت [www.islamicmedicine.org](http://www.islamicmedicine.org) مقاله‌ی «الجنین و نشأة الإنسان بین العلم والقرآن».
۷. سبزواری نجفی، محمد، (۱۴۰۶)، (الجديد فی تفسير القرآن، چاپ اول، بیروت: دار المعارف للمطبوعات).
۸. شمس، مریم، (۱۳۹۶)، جنین‌شناسی پزشکی و انطباق آن با آیات قرآن، برگرفته از پایگاه دانشنامه موضوعی قرآن کریم.
۹. برگرفته از پایگاه: <http://www.boali.com>
۱۰. دکتر مرتضی کروجی، دکتر ملیحه نوبخت، دکتر شیمیا آب آب زاده... دکتر محسن اسلامی، (۱۳۹۸)، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، آرتین طب، چاپ اول، ۵۰۲.
۱۱. پی‌هیگمن، کلیوند، اس‌رابرتس، لاری، لارسون، آلن، ۱۳۸۵ اصول جانورشناسی مهره‌داران (ترجمه: حسین دانش‌فر)، چاپ اول.
12. Cramer JS1, Lumey LH. "Maternal preconception diet and the sex ratio." *Hum Biol.* 2010 Feb;7-103;(1)82. doi: 027.082.0106/10.3378.
13. Koh, J.B.Y. & Marcos. "The study of spermatozoa and sorting in relation to human reproduction." *Microfluid Nano-fluid* (755 : 18 (2015).
14. Scarpa BI. "Bayesian Inference on Predictors of Sex of the Baby." *Front Public Health.* 2016 May 4:102;24. doi:10.3389/fpubh.2016.00102. eCollection 2016.
15. Noorlander AMI, Geraedts JP, Melissen JB. "Female gender pre-selection by maternal diet in combination with timing of sexual intercourse—a prospective study." *Reprod Biomed Online.* 2010 Dec;802-794;(6)21. doi: 10.1016/j.rbmo.2010.08.002. Epub 2010 Aug 31.
16. Use of Reproductive Technology for Sex Selection for Nonmedical Reasons. ASRM Ethics Committee. You YA1,2, Kwon WS1, Saidur Rahman MI, Park YJI, Kim YJ3, Pang MG1. "Sex chromosome-dependent differential viability of human spermatozoa during prolonged incubation." *Hum Reprod.* 2017 Jun 1191-1183;(6)32;1. doi: 10.1093/humrep/dex080.
17. Karabimis DS, Marazzo DP, Stern HJ, et al. The effectiveness of flow cytometric sorting of human sperm for influencing a child's sex. *Reprod Biol Endocrinol.* 12:106;2014. Published 2014 Nov 24. doi:106-12-7827-1477/10.1186
18. Wilcox AJ, Weinberg CR., Baird DD., Timing of Sexual Intercourse in Relation to Ovulation — Effects on the Probability of Conception, Survival of the Pregnancy, and Sex of the Baby, *New England Journal of Medicine.* ,(23)333 1521-1517
19. FDA, Vaginal pH, US Food and Drug Administration, Department of Health and Human Services, [Accessed Jan, 2019 3].





## کتاب «الکافی»

دکتر هادی حجت  
دانشگاه قرآن و حدیث  
hojjat.h@qhu.ac.ir

در شماره ۱۱ نشریه، به اختصار، به بیان تاریخچه تدوین روایات اهل بیت (ع) و شکل گیری جوامع حدیثی پرداخته شد و جوامع حدیثی مقتدم و متأخر شیعه مورد اشاره قرار گرفت. صفحه سلامت در احادیث این شماره، به معرفی کتاب شریف «الکافی» به عنوان یکی از جوامع حدیثی مقتدم و نویسنده آن مرحوم کلینی، اختصاص دارد.

## محمد بن یعقوب کلینی و کتاب «الکافی»

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی معروف به «ثقه الاسلام»، از مشهورترین فقها و محدثان امامیه است که در عصر غیبت صغری می زیست. قراین تاریخی حاکی از آن است که وی در نیمه دوم قرن سوم هجری در روستای کلین در جنوب شهرری در حوالی حسن آباد فعلی، چشم به جهان گشود. کلینی، تحصیلات خود را در زادگاهش کلین و در خانواده‌ای فرهیخته و اهل علم آغاز کرد و با منابع علم حدیث و رجال آشنا شد. وی برای کسب دانش و فراگیری حدیث در طول حیات علمی خویش، به شهرهای مختلفی همچون ری، قم، بغداد و کوفه سفر کرد. شهرری که تا اواخر قرن سوم تحت نفوذ اهل سنت قرار داشت؛ در آن عصر، به نقطه برخورد آرا و نظرات فرقی چون اسماعیلیه و مذهبیه چون شافعی، حنفی و شیعی مبدل شده بود و در واقع، قلب ایران محسوب می شد. کلینی در ضمن تحصیلات خود نه تنها با عقاید و نظرات مذاهب و گرایش‌های مختلف آشنا شد، بلکه به ماهیت برخی از حرکتهایی که می رفت تشیع را از مسیر خود منحرف کند، پی برد و به مقابله با آنها پرداخت.

کلینی در زمان خود، پیشوای علمای شیعه و چهره درخشان آنها در ری و موثق ترین آنها در حدیث و ضبط آن بود. وی بخش مهمی از عمر خود را در شهر قم، شهر محدثان و راویان شیعه سپری کرد و از محضر محدثان نامداری چون احمد بن ادریس قمی از یاران امام عسکری علیه السلام و نیز علی بن ابراهیم قمی و بسیاری دیگر از دانشمندان این شهر بهره برد.

کلینی پس از بهره بردن از اساتید مختلف به بغداد که در آن زمان، یکی از مهم ترین مراکز علمی فرهنگی به شمار می رفت و آرا و عقاید اکثر مذاهب اسلامی در آن جریان داشت و همچنین آخرین نایب امام زمان علیه السلام، «علی بن محمد سمری» در این شهر شهر زندگی می کرد، وارد شد.

کلینی، سال‌های آخر عمر خویش را در بغداد به سر برد و در آنجا، به تدریس و تعلیم الکافی پرداخت. این امر زمینه انتشار و شهرت کتاب الکافی را در مرکز علمی آن عصر فراهم آورد.

سرانجام، کلینی در حالی که حدوداً بیش از ۷۰ سال از عمرش می گذشت و پس از ۲۰ سال تلاش در تدوین کتاب الکافی، در شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری، سالی که سال «تثاثر نجوم» یعنی فروریختن ستاره‌ها نام گرفته است، چشم از جهان فروبست و در «باب الکوفه» بغداد به خاک سپرده شد.

## کتاب الکافی

از آثار متعدد و ارزشمند مرحوم کلینی، تنها کتاب الکافی ایشان به دست ما رسیده، اثری که مؤلف بیست سال از عمر خویش را صرف تألیف آن نموده است. الکافی جامع ترین و مهم ترین کتاب در میان کتب اربعه شیعه است.

علامه مجلسی کتاب الکافی را دقیق ترین، جامع ترین، بزرگ ترین و بهترین تألیفات شیعه معرفی کرده است. مرحوم کلینی در ابتدای الکافی، یکی از انگیزه‌های خود را در تألیف الکافی، ارائه کتابی دانسته که جامع تمامی شاخه‌های اصلی علوم دینی باشد تا طالبان علم دین از طریق اخبار معتبر به علوم و سنن دین دسترسی پیدا کنند.

الکافی حدود ۱۶۰۰۰ حدیث دارد و در سه بخش اصلی تنظیم گردیده است: ۱. اصول؛ ۲. فروع؛ ۳. روضه.

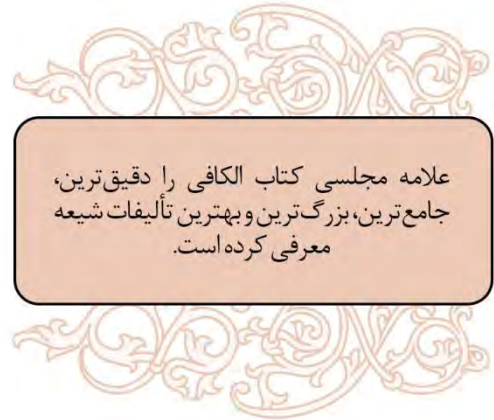
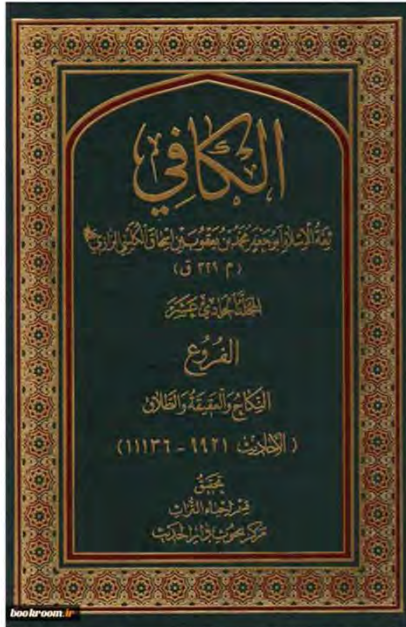
در برخی از متون کهن، برای جدا ساختن بخش‌ها به تعبیری همچون «فصل» یا «بخش» از تعبیر «کتاب» استفاده می شد. اصول و فروع الکافی نیز دارای بخش‌های متعددی است که با تعبیر «کتاب» از یکدیگر متمایز شده است؛ مانند کتاب التوحید، کتاب الحججه و کتاب الطهاره. اما روضه باب‌بندی ندارد و روایات، یکی پس از دیگری ذکر شده است.

اصول الکافی: شامل مباحث اعتقادی و اخلاقی است که در هشت بخش سامان یافته است.

بخش‌های هشت‌گانه اصول الکافی عبارتند از کتاب العقل و الجهل، کتاب فضل العلم، کتاب التوحید، کتاب الحججه، کتاب الایمان و الکفر، کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن، کتاب العشره.

مرحوم کلینی در اصول الکافی با چینی دقیق و منطقی، ابتدا با استناد به روایات متعدد، به اهمیت عقل و جایگاه آن در شناخت معارف پرداخته و سپس به فضیلت علم آموزی و آداب





علامه مجلسی کتاب الکافی را دقیق‌ترین، جامع‌ترین، بزرگ‌ترین و بهترین تألیفات شیعه معرفی کرده است.



شیعه و نیز صحاح اهل سنت.

۴. صرف ۲۰ سال وقت برای گردآوری، تدوین و پیرایش کتاب که این امر موجب شده است کافی نسبت به دیگر کتب اربعه، از استحکام و دقت بیشتری در نقل اسناد و متون برخوردار گردد.

۵. ذکر کامل اسناد: در کافی غالباً سندها به صورت کامل نقل شده است، بر خلاف دیگر کتب اربعه، خصوصاً کتاب من لایحضره الفقیه که سند بسیاری از احادیث در متن این کتاب کامل نیست و برای کامل کردن سند لازم است به بخش پایانی کتاب به نام «مشیخه» مراجعه شود.

۶. عنوان‌دهی دقیق ابواب با عناوین کوتاه و رسا: عناوین انتخابی برای هر دسته از احادیث معمولاً کوتاه، رسا و کاربردی است.

کتاب الکافی از مهم‌ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه به‌شمار می‌رود و مجموعه‌ای از ناب‌ترین و معتبرترین روایات اعتقادی، اخلاق و فقهی را در خود گرد آورده است، لیکن به ندرت ضعف‌هایی نیز در برخی از روایات، به‌ویژه در بخش روضه آن به چشم می‌خورد که مورد بحث حدیث پژوهان قرار گرفته است.

از مهم‌ترین شروح المافی، می‌توان به شرح اصول کافی، اثر صدرالمتألهین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰ ق) و مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول از علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) اشاره کرد.

بخش‌های اصول و روضه الکافی به فارسی ترجمه شده و مستقلاً نیز منتشر شده است.

دانش حدیث، به قلم مدرسان دانشگاه قرآن و حدیث، نشر جمال، ۱۳۹۵.  
صص ۲۱۹-۲۲۵

آن مبادرت نموده است تا اهمیت معرفت و آگاهی را در اثبات مبانی اعتقادی روشن سازد؛ آن‌گاه به مهم‌ترین اصل اعتقادی؛ یعنی توحید و مباحث مربوط به خداشناسی پرداخته است. سپس در کتاب الحجه، ابتدا مباحث نبوت و در پی آن، مباحث امامت را ذکر کرده است و پس از تحکیم اصول اعتقادی، در نیمه دوم اصول الکافی، مباحث اخلاقی و تربیتی را آورده است. مباحثی از قبیل: تواضع، حِلْم، قناعت، غیبت، فضیلت دعا، فضیلت قرآن و آداب معاشرت.

مطالب این بخش از اصول الکافی بسیار جذاب و متنوع و برای همگان قابل استفاده است. از این رو، مکرر به فارسی ترجمه و در اختیار عموم قرار گرفته است.

فروع الکافی: این بخش به روایات فقهی از قبیل نماز، زکات، روزه و حج اختصاص دارد که به دلیل تخصصی بودن مطالب، معمولاً مورد استفاده فقیهان قرار می‌گیرد.

روضه الکافی: این بخش با ۵۹۷ حدیث، شامل مباحث گوناگونی همچون خطبه‌ها و نامه‌های ائمه (ع)، مواعظ، داستان‌ها و مطالب تاریخی است و به دلیل همین تنوع موضوعی، به روضه یعنی بوستان نام‌گذاری شده است.

مزایا و ویژگی‌های الکافی

برخی از ویژگی‌های الکافی عبارتند از:

۱. تألیف الکافی در عصر غیبت صغری و نزدیک بودن تألیف آن عصر به عصر حضور ائمه (ع).
۲. جامعیت کتاب (اشتمال بر روایات اعتقادی، اخلاقی، فقهی) که این ویژگی در دیگر کتب اربعه وجود ندارد.
۳. بیشتر بودن روایات آن نسبت به دیگر جوامع حدیثی متقدم



## فقه سلامت

# بررسی عنوان «ظرفیت تصمیم‌گیری بیمار» در اخلاق پزشکی ذیل عنوان «رشد» در فقه شیعه

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و  
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
a.mashkoori@gmail.com

قوه ادراک و تعقل است؛ در حالی که سفیه تا حدودی قوه درک و تشخیص دارد و می‌تواند حسن و قبح افعال را تشخیص دهد؛ اما به دلیل ضعف عقل یا اراده نمی‌تواند در جهت صلاح و منفعت خود تصمیم‌گیری کند. (۴)

تشخیص سفیه بودن شخص، از طریق مقایسه اعمال او با اعمال عقلایی دیگران است. اگر عرف، اعمال و افعال او را در سطح اعمال عقلایی متعارف (و نه الزاماً در سطح متوسط و عالی) تشخیص دهد، آن شخص رشید، و در غیر این صورت سفیه است. (۳)

موارد عقب‌ماندگی ذهنی خفیف تا متوسط و مراحل اولیه دمانس را می‌توان مصداق سفاهت دانست.

اغلب امور درمانی را می‌توان جزو معاملات به شمار آورد؛ چرا که نوعی داد و ستد و خرید خدمت محسوب می‌شود و شرط صحت معامله هم اهلیت و رشد طرفین معامله است. بنابراین در معاینه و درمان بیمار «رشید»، اذن و برائت خود بیمار ملاک عمل است؛ اما در بیمار غیررشید، اذن و برائت «ولی» یا «قیم» بیمار ملاک عمل است. در بیمار مشکوک به عدم رشد نیز باید احتیاط کرد و ابتدا ارزیابی رشد از بیمار به عمل آورد؛ سپس براساس نتیجه ارزیابی، از خود بیمار یا ولی / قیم بیمار اذن و برائت لازم را اخذ کرد؛ مگر مواردی که دلیل خاص بر جواز آمده باشد، مانند تصرفات جزئی متعارف در حد خرید مایحتاج روزانه منزل.

### منبع

- ۱- لاریجانی، باقر. پزشک و ملاحظات اخلاقی، ج ۲، ص ۳۱، تهران، برای فردا.
- ۲- شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، ص ۳۰۵، تهران، المکتبه المرتضویه
- ۳- شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۸۴، تهران، المکتبه المرتضویه
- ۴- شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، ص ۱۶۵، تهران، المکتبه المرتضویه

«ظرفیت تصمیم‌گیری» در اخلاق پزشکی عبارت است از توانایی بیمار برای فهم اطلاعات مربوط به وضعیت خود و درک پیامدهای تصمیم‌هایی که می‌گیرد؛ تاحدی که به شکل منطقی قابل پیش‌بینی باشد. (۱) اطمینان از «ظرفیت تصمیم‌گیری» بیمار، یکی از اجزای ضروری اخذ «رضایت آگاهانه» از بیمار است. «ظرفیت تصمیم‌گیری» در فقه شیعه ذیل عنوان عام‌تر و وسیع‌تر «رشد و رشید بودن» بحث می‌شود.

در فقه شیعه، «رشید» کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود، در حد متعارف عقلایی و عاقلانه باشد. فقیهان شیعه، «صغر سن» و «جنون» و «سفاقت» را از عوامل عدم رشد و محجوریت و در نتیجه عدم اعتبار تصرفات ذکر کرده‌اند. (۲)

### صغر سن:

از نظر شرعی، تصرفات فرد نابالغ - حتی اگر ممیز باشد - عموماً اعتبار ندارد. عدم اعتبار تصرفات صغیر، با بلوغ جنسی خودبخود رفع نمی‌شود؛ بلکه «رشد» و «رشید بودن» نیاز به احراز دارد. به عبارت دیگر، بلوغ جنسی شرط لازم، ولی غیرکافی برای احراز رشد است و هیچ‌فردی پیش از بلوغ جنسی (حتی اگر ممیز باشد و قدرت تمییز و تشخیص مصلحت و منفعت خود را داشته باشد) رشید محسوب نمی‌شود. (۳) از سوی دیگر، هر صغیری که بالغ شد، الزاماً رشید نمی‌شود و اگر فردی پس از بلوغ جنسی، رشد کافی را کسب نکرد یا بعد از تحصیل رشد، آن را از دست داد، او را «غیررشید» می‌نامند. اداره امور و مسئولیت اعمال فرد صغیر و فرد «غیررشید» با «ولی» یا «قیم» او است. (۴)

### جنون:

مجنون، کسی است که قوه درک و عقل ندارد و حتی حسن و قبح افعال را تشخیص نمی‌دهد. اعمال حقوقی مجنون هم چه در امور مالی و چه در امور غیرمالی، فاقد اعتبار و باطل هستند. مراحل نهایی دمانس و موارد شدید عقب‌ماندگی ذهنی را می‌توان مصداق جنون دانست.

### سفاقت:

تفاوت بین سفیه و مجنون در این است که مجنون اصولاً فاقد

در صورت عدم اثبات رشید بودن بیمار، اذن و برائت از ولی / قیم بیمار اخذ می‌شود.



## رازداری، نه خونریزی و نه خون‌مردگی!

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و  
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
mrezaie@muq.ac.ir

قال الصادق

سِرِّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْ دَاجِكَ  
امام صادق علیه السلام فرمودند: «راز تو جزیی از خون توست،  
پس نباید در رگ‌های غیر تو جریان یابد.»

برخی از اسرار، اینقدر مهم هستند که افشای  
آنها می‌تواند جان فرد را به خطر بیندازد.

درمانگر باقی بماند؛ حتی گاهی پیش می‌آید که نباید آن را بر  
زبان خود جاری و بازگو کند. تا جایی که بنده اطلاع دارم،  
اینکه جنین‌های اهدایی به این زوج ناباور، از کدام زوج به اهدا  
گرفته شده است؛ در طبقه‌بندی «به کلی سرتی» قرار می‌گیرد!  
در شهرهای بزرگ، بیان شرح حال بیمار و بیان سن و جنس  
او بدون ذکر نامش، می‌تواند قاعده رازداری را پاس بدارد؛ اما در  
روستاها و شهرهای کوچک، حتی بیان شرح حال به این  
صورت هم می‌تواند هویت بیمار را فاش کند. پزشکان و  
درمانگران مناطق با جمعیت محدود، اگر بخواهند با دقت  
«رازداری» را رعایت کنند، باید از بیان شرح حال بیمار با این  
کلیدواژه‌ها در جمع خانواده پرهیز کنند. اینکه من با خوشحالی  
برای همسر خود تعریف کنم که یکی از خانم‌های محله، بعد از  
شش سال و نیم نازایی، قطع قاعدگی داشته و هفته پیش  
برایش آزمون بارداری نوشتیم و امروز جواب مثبت را آورده بود؛  
این گفته من می‌تواند معادل این باشد که نام و نام خانوادگی  
آن خانم را برای همسرم گفته باشم!  
باید رازدار باشیم، باور کنید باید رازدار باشیم!

### پی‌نوشت:

- 1- extra-corporal & extra-vascular
- 2- hemorrhage
- 3- hematoma
- 4- intra-corporal
- 5- intravascular

### منابع:

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۷۱

همان‌گونه که مستحضرید، قرار بر این بود که هر جلسه درس  
یک آیه کریمه یا یک حدیث شریف بیان شود و این آیات و  
روایات، با موضوع و مبحث کلاس اخلاق پزشکی و اخلاق  
حرفه‌ای دانشجویان رشته‌های علوم سلامت، مرتبط باشد. از ۳  
شماره پیش، مبحث «امانت‌داری»، با بهره‌گیری از آیات قرآن  
کریم و روایات شریفه، گشوده شد. در شماره قبلی، با استناد به  
آیه کریمه ۵ از سوره مبارکه یوسف، به موضوع «رازداری»  
اشاره شد. به خواست خداوند متعال در این شماره و چند  
شماره آینده با بهره‌بردن از روایات شریفه، موضوع رازداری  
بحث خواهد شد.

گفته شد که در زندگی انسان‌ها، رازداری یک قاعده مهم و  
غیرقابل چشم‌پوشی است و به ویژه در حوزه سلامت و اخلاق  
در سلامت، این قاعده اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

خون بدن ما ممکن است در یکی از این حالت‌ها قرار گیرد:  
• اگر خون از رگ‌ها و نیز از داخل بدن خارج شود (۱)،  
«خونریزی» (۲) اتفاق افتاده است.

• اگر خون از رگ‌ها خارج شود، اما از بدن خارج نشود، «خون  
مردگی» (۳) پدید می‌آید.

• هر دو حالت قبلی از منظر سلامتی، نامطلوب در نظر گرفته  
می‌شود. حالت مطلوب این است که خون داخل بدن (۴) و  
داخل رگ‌ها (۵) باشد.

تعبیر بنده از این فرمایش امام صادق علیه السلام در این حدیث شریف  
این است که اسرار، باید در جای خودش قرار گیرد. حتی اگر  
خون داخل بدن باشد، اما به خارج رگ‌ها تراوش کند،  
خون مردگی پدید می‌آید. این خون، کارآمد نیست و بلکه  
آسیب‌زا است.

در طبابت روزمره، گاهی حفظ اطلاعات ساده بیمار و پرهیز از  
افشای راز بیمار، آن‌چنان اهمیتی پیدا می‌کند که به مصداقی  
از این تعبیر امام علیه السلام مبدل می‌شود. در امر سلامت، گاهی  
برخی حرف‌ها و اطلاعات راجع به بیمار، فقط باید در ذهن



## طراحی مراقبت های پیشرفته (Advance care directive)

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و  
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
a.mashkooori@gmail.com

### معرفی مورد:

بیمار مردی ۶۰ ساله و مرفه است که به دلیل فراموشکاری مختصر، به متخصص اعصاب مراجعه کرده است. متخصص اعصاب، متوجه شروع دمانس در بیمار می شود. متخصص اعصاب، نگران آینده بیمار و عدم پیگیری درمان توسط بیمار و اطرافیان بیمار است. متخصص اعصاب جهت حفظ منافع بیمار چه اقدامی می تواند انجام دهد؟

### تحلیل مورد:

بیمار ممکن است به زودی ظرفیت تصمیم گیری خود را از دست بدهد و اطرافیان بیمار هم ممکن است نیازهای درمانی او را به خوبی پیگیری نکنند؛ نتیجه این امر آسیب هرچه بیشتر بیمار است. در اینجا، پزشک باید از فرصت موجود استفاده کند و مادامی که بیمار ظرفیت تصمیم گیری دارد:

۱. خود بیمار را در مورد سیر پیش رونده بیماری و عوارض آن به خوبی توجیه کند.
۲. از بیمار بخواهد در مراجعه بعدی یکی از نزدیکان کاملاً مورد اعتماد خود را همراه بیاورد تا پزشک، بیماری و عوارض آن را

برای او توضیح دهد.

۳. در مورد خواسته های درمانی بیمار، از او سؤال کند و این خواسته ها را مستند و مکتوب کند تا زمانی که بیمار، ظرفیت تصمیم گیری خود را از دست داد، به عنوان راهنمای درمان از آن استفاده کند.
۴. بیمار را راهنمایی کند که در صورت امکان، یک وکیل رسمی تعیین کند تا پیگیری خواسته های درمانی بیمار در صورت فقدان ظرفیت تصمیم گیری بر عهده وکیل او باشد.

منبع:

پزشک و ملاحظات اخلاقی ج ۲. دکتر باقر لاریجانی. صص: ۶۲-۵۵



دانش پزشکی

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی  
سال دوم، شماره ۱۳

۱۴



## علیت در پزشکی ۱

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم

پزشکی قم، قم، ایران

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

این میز می تواند توسط نجار از چوب ساخته شود؛ می تواند دارای سطح مربع باشد که از هر گوشه یک پایه به آن عمود شده باشد و می تواند برای خوردن وعده های غذایی یا موارد دیگر استفاده شود. فرانسیس بیکن در ابتدای انقلاب علمی در قرن شانزدهم، چهار علت ارسطو را به دو علت ماده و فاعلی کاهش داد. در قرن هفدهم، فیلسوفان اخلاقی درباره موضوعات علت فاعلی بحث می کردند؛ درحالی که فلاسفه طبیعی به علت مادی یا مکانیکی علاقه مند بودند.

در کنار پیرایش علّیت ارسطویی، این مفهوم از قرن هفدهم به مسئله ای بحث برانگیز در فلسفه تبدیل شد. دیوید هیوم آغازگر این بحث ها در بین فلاسفه اخلاقی بود. او علّیت را «سیمان عالم» می دانست، ولی بر این باور بود که از نظر علت و معلولی «ارتباط ضروری» بین دو رخداد وجود ندارد. در عوض، فقط یک «پیوستگی پایدار» بین دو واقعه وجود دارد؛ به گونه ای که ما یک رابطه علی را بین آنها تحمیل می کنیم و یکی را علت و دیگری را معلول در نظر می گیریم. بنابراین، علّیت می تواند منعکس کننده یک تلقین فرهنگی یا اجتماعی باشد. امانوئل کانت در مقام پاسخ به هیوم، علّیت را به عنوان یکی از مقولات اصلی مسئول درک «خالص» به ویژه درک طبیعی یا علمی قلمداد می نمود. از نظر او، این مقوله اعتبار قوانین علمی را تضمین می کند، به این معنا که درک انسان از رابطه علی و معلولی را بر شواهد علمی مرتبط با آن پدیده دخیل می کند. آنچه بیان شد، مقدمه ای بر بحث علّیت بود که ان شاء الله در شماره آینده بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

### منبع:

Marcum, J. A. (2008). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. 99). Netherlands: Springer

در شماره های پیشین، به طور اجمال به جهان بینی پزشکی اشاره شد. از آن جایی که علّیت و واقع گرایی، دو مفهوم مهم و ضروری برای درک هر جهان بینی، به ویژه جهان بینی پزشکی هستند؛ در این شماره به کلیات مفهوم علّیت و در شماره های آتی، به واقع گرایی پرداخته خواهد شد. علّیت، به عمل آوردن یا تولید یک اثر اشاره دارد. به عبارت دیگر، علّیت مسئول ساخت یا ایجاد رخدادها و موجودیتها در دنیایی معین هستند. اساس علّیت بر این اصل استوار است که پدیده های طبیعی ممکن است منابعی غیر از خود داشته باشند. به بیان دیگر، لزوماً خودمنشأ یا خودتولید نیستند. مفهوم علّیت در اندیشه فلسفی، تاریخ پرسروصدایی داشته است؛ به ویژه با این ادعای هیوم که ارتباطی ضروری بین علت و معلول وجود ندارد. از طرفی، هم پزشکان و هم بیماران به علل بیماری ها و خدشه به سلامتی در مراتب گوناگون و همچنین سلامتی مطلوب علاقه مند هستند. به هر شکل ممکن، علّیت تقریباً در هر جهان بینی پزشکی نقش مهمی دارد. چراکه شناسایی علت بیماری، اولین قدم در امکان درمان بیماری است. در سنت غربی، آغاز هر بحث علی را به یونانیان نسبت می دهند. به عنوان مثال، در متافیزیک، ارسطو چهار عامل مسئول پدیده های طبیعی را مشخص کرده است: عامل ماده (Material)، عامل صوری (Formal)، عامل کارآمد یا فاعلی (Efficient or Artificer)، و عامل نهایی یا غایت شناختی (Final or Teleological). عوامل مورد نظر او، نشانگر اوج بحث علّیت قبل از سقراطیان و افلاطون است. علت مادی، اشاره به جوهر یا ماده ای دارد که یک شیء از آن ساخته شده است. علت صوری به نقشه یا طرحی که مورد نظر است، می پردازد. علت کارآمد یا فاعلی، بیانگر عامل یا منبع اصلی ساختن شیء است و علت نهایی، هدف یا کارکردی است که یک شیء برای آن ساخته شده است. به عنوان مثال، یک میز را در نظر بگیرید:

از نظر امانوئل کانت، درک انسان از رابطه علی و معلولی بر شواهد علمی مرتبط با یک پدیده موثر است.



## معرفی کتاب

### گفتمان میان‌رشته‌ای دانش

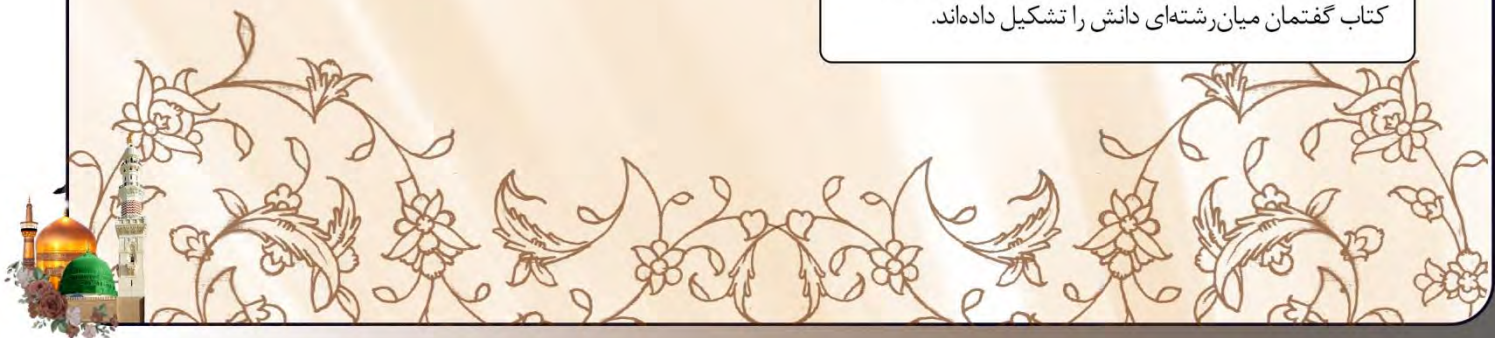
گفتمان میان‌رشته‌ای دانش (مبانی نظری، گونه‌شناسی و خط‌مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی) عنوان کتابی است از علی خورسندی طاسکوه که در ۴۸۴ صفحه و توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. موضوع اصلی این کتاب، آموزش و پرورش است.

میان‌رشته‌گی، ساختار معرفتی نوینی است که از خصلت‌های زبانی و معرفتی خاص خویش برخوردار است و از روابط و مناسبات درونی میان عناصر و اجزای آن نظام شناختی، ساختار فکری و قواعد اجتماعی گفتمان جدید دانش شکل گرفته است. میان‌رشته‌گی، همچنین برآیند پیچیدگی مسائل، چند وجهی بودن موضوعات، غیرخطی بودن و روابط و مناسبات پیچیده میان پدیده‌ها و مسائلی است که مستلزم تبیین، تفهیم و تحلیل آنها از طریق هم‌کنشی و تلقین دانش، مفاهیم، روش‌ها و ابزارها و چشم‌اندازهای گوناگون رشته‌ای و علمی است.

این کتاب به چهار گفتار و چهارده فصل تقسیم شده است. گفتارهای این کتاب میان‌رشته‌گی و گونه‌شناسی آن، مبانی نظری میان‌رشته‌گی، ساختارها و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و میان‌رشته‌گی در عمل را بررسی کرده‌اند؛ چیستی و فلسفه میان‌رشته‌گی، گونه‌شناسی میان‌رشته‌گی، سیر تکوین میان‌رشته‌گرایی، سیستم‌های پیچیده و نظریه وحدت دانش، نظریه پیچیدگی، نظریه آشوب، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، ساختارهای سازمان میان‌رشته‌ای، میان‌رشته‌گی، تلفیق و برنامه درسی، طراحی فعالیت‌های میان‌رشته‌ای، آموزش و یادگیری میان‌رشته‌ای، تدریس گروهی و تمرین میان‌رشته‌ای، ارزیابی عملکرد میان‌رشته‌ای، فعالیت‌های میان‌رشته‌ای؛ چالش‌ها و موانع به ترتیب عناوین چهارده فصل کتاب گفتمان میان‌رشته‌ای دانش را تشکیل داده‌اند.

### گفتمان میان‌رشته‌ای دانش

علی خورسندی طاسکوه



# محمد رسول الله

آغاز صبح غربت زهرا و مرتضاست  
شهر مدینه را به جگر، داغ مصطفاست  
گر آسمان خراب شود بر سرت رواست  
زیرا عزای قافله سالار انبیاست  
عالم عزا گرفته و صاحب عزا خداست  
شهر مدینه یکسره آبستن بلاست  
یا لِلْعَجَبِ! وصی پیمبر، علی، کجاست  
دود و شراره بر فلک از بیت کبریاست  
پاداش رنجهای شب و روز مصطفاست  
بالله قسم شروع جنایات کربلاست  
تا حشر حق آل محمد به زیر پاست  
هر شب صدای ناله‌ی زهرا به گوش ماست  
آزادگی ولایت سلطان اولیاست

ملک وجود غرق در اندوه و در عزاست  
قرآن عزا گرفته و عترت شده غریب  
خون گریه کن مدینه! کز این ماتم عظیم  
گشتند انبیا همه چون فاطمه یتیم  
خلقت چه لایق است که صاحب عزا شود  
اهل ولا، به هوش، که با رحلت نبی  
قومی برای غصب خلافت شدند جمع  
دار الولا محاصره، زهراست پشت در  
آتش زدن به خانه‌ی ریحانه‌ی رسول  
آزردن بتول پس از رحلت رسول  
از لحظه‌ای که غصب خلافت شد از علی  
هر روز راس شاه شهیدان به روی نبی  
«میشم!» قسم به میشم آزاده‌ی علی

حاج غلامرضا سازگار «میشم»  
برگرفته از سایت خبرگزاری مهر





کوثر اشک من از ساغر و پیمانۀ توست      دل آتش زده ام، شمع عزاخانه توست  
 جگر سوخته، خاکستر پروانه توست      شعله های دلم از آه غریبانه توست  
 ای تراب قدم زائر کویت گل من  
 وی خراسان تو تا صبح قیامت دل من  
 درد جان را تو طبیبی تو طبیبی تو طبیب      بزم دل را تو حبیبی تو حبیبی تو حبیب  
 بی تولای تو دل را نه قرار و نه شکیب      تو غریب الغرابی و همه خلق، غریب  
 نه خراسان که سماوات و زمین حائر توست  
 دور و نزدیک ندارد، دل ما زائر توست  
 ای قبول غم تو گریه ناقابل ما      آتش عشق تو در روز جزا حاصل ما  
 مایه از خاک خراسان تو دارد گل ما      ما نبودیم که می سوخت به یادت دل ما  
 سالها آتش غم شمع صفت آبت کرد  
 زهر در سینه شراری شد و بی تابت کرد  
 تو به خلقت پدری و تو به زهرالهی پسری      مثل جد و پدرت از همه مظلوم تری  
 تو جگر پاره پیغمبر و پاره جگری      بلکه بی تاب تر از بسمل بی بال و پری  
 میزبان تو شد ای جان جهان قاتل تو  
 کس ندانست ندانست چه شد با دل تو  
 تو که سر تا به قدم آینه توحیدی      به چه تقصیر چو بسمل به زمین غلطیدی  
 مرگ را دور سرت لحظه به لحظه دیدی      همچنان مار گزیده به خودت پیچیدی  
 که گمان داشت که با آن غم پیوسته تو  
 قتلگاه تو شود حجره در بسته تو؟  
 «بابی انت و امی» که چه آمد به سرت      داغ معصومه مظلومه به جان زد شررت  
 تو زدی بال و پر و کرد تماشا پسرت      بس که بر شمس رُخت ریخت ستاره قمرت  
 شرر آه بر آمد ز نهادت مولا  
 صورتت شسته شد از اشک جوادت مولا  
 طایر روح غریبانه پرید از بدنت      قاتلت اشکفشان بود به تشییع تنت  
 خبر از غربت تن داشت فقط پیرهننت      کرد با خون جگر دست جوادت کفنت  
 چوب تابوت تو بر شانه جان همه بود  
 جای معصومه تو اشکفشان فاطمه علیها السلام بود  
 بانوان چشم ز مهریه خود پوشیدند      دور تابوت تو پروانه صفت گردیدند  
 اشکها بود که بر غربت تو یاریدند      لاله از خون جگر بر سر راهت چیدند  
 مردها مثل زنان شیونشان بر پا بود  
 دور تابوت تو ذکر همه یا زهرالهی بود  
 ای خدا سوختم از گریه، دل از کف دادم      کاش می سوخت فلک از شرر فریادم  
 کاش می داد غم شام بلا بر بادم      یاد خاکستر و سنگ لب بام افتادم  
 پای تابوت رضا علیه السلام چنگ و نی و دف نزدند  
 همه سیلی زده بر صورت خود، کف نزدند  
 دور تابوت تو بر چهره اگر چنگ زدند      لیک پای سر جد تو همه چنگ زدند  
 دور تابوت تو ناله ز دل تنگ زدند      دور زینب همه از چار طرف سنگ زدند  
 تا شرار از جگر و ناله ز دل برخیزد  
 اشک «میثم» به تو و جد غریبت ریزد

حاج غلامرضا سازگار «میثم»  
 برگرفته از سایت خبرگزاری زائر

